

صوفیه و شالوده گذاری نهادهای علمی در بیت المقدس فاصله سالهای ۶۴۸-۹۲۳ ه. ق

نسیم فرهمند^۱ | فاطمه جان احمدی^۲

۱- دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. n.farahmand@modares.ac.ir
۲- استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) f.janahmadi@modares.ac.ir

شناسه دیجیتال (DOI) 10.22034/MTE.2024.17882.1791

چکیده

گرچه تصوّف در ابتدا طریقه‌ای آداب محور متکی بر تزکیه نفس و ترک گیتی برای وصول به حق و کمال نفس انسانی بود؛ اما رفته رفته در قرن ۵ق/۱۱م در فرگشتی عمومی با آشتی میان شریعت و طریقت پای از خانقاه‌ها به ساختارهای علمی و آموزشی جهان اسلام نهاد. گرچه تاریخ ورود تصوّف به بیت المقدس بدرستی معلوم نیست اما مطابق اسناد تاریخی همواره قدس به دلیل موقعیت جغرافیایی ممتاز و فضای دینی و مذهبی در شمار کانون‌های مورد توجه صوفیه به‌ویژه قرون میانه اسلامی بوده است. حضور صوفیه در قدس به ساخت و رونق مؤسسات آموزشی و بنیادهای موقوفه و خیریه منجر شد. فهرست مؤسسات آموزشی عام المنفعه صوفیه در عصر ایوبیان و ممالیک مؤید حضور پرتلاش صوفیه در قدس است. حال این پژوهش قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: چرا در دوره مورد نظر توجه به تأسیس و گسترش مدارس و مؤسسات صوفیه فزونی یافته است؟ و اینکه: علل تداوم حیات مؤسسات صوفیه در بیت المقدس چه بوده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ممالیک به‌منظور خلاصی از بحران مشروعیت و برون‌رفت از نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از جنگ‌های صلیبی در غرب خلافت و هجمه مغولان در شرق به حمایت از صوفیه مبادرت کردند. مهاجرت صوفیان به بیت المقدس با ساخت و تأسیس و تقویت مدارس علمی و تحریک و جهت‌دهی مردم به عزلت‌گزینی و انزوا همراه بود. مهمترین نتیجه مهاجرت صوفیان به بیت المقدس در پی حملات مغولان و بروز ناآرامی‌ها در شرق خلافت اسلامی، رشد تکاپوهای علمی و ازدیاد انگیزه‌های خیرخواهانه در ساخت مؤسسات عام المنفعه و ارائه خدمات اجتماعی توسط سلاطین و اشراف بود. به دلیل ماهیت تاریخی این پژوهش، روش معمول توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع مکتوب آرشیوی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلیدواژه: مؤسسات صوفیه، طریقت‌ها، بیت المقدس، ممالیک، تصوّف

مقدمه:

حضور تصوف در شامات به دلیل رویکرد طریقتی و ماهیت فکری و رویکرد عزلت‌گزینی خانقاه‌نشین بدرستی مشخص نیست، لیکن مطابق با گمانه‌های موجود و گزارش‌های مضبوط از نیمه قرن دوم هجری صوفیه در قدس شریف حضور داشته است. بیشترین گزارش‌های مکتوب و موثق از مداخلات و فعالیت‌های صوفیه به مثابه جریان تأثیرگذار در دوره جنگ‌های صلیبی و اساساً در عصر ایوبیان و ممالیک بوده است. مطابق شواهد در میانه قرن هفتم هجری در حالی دولت ممالیک به قدرت رسید که هنوز آتش جنگ‌های صلیبی اتمام نیافته بود و کماکان نتایج سوء آن دامن جهان اسلام را گرفته بود. حکومت مقتدرانه ممالیک نزدیک به سه قرن (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق) در مصر و شام نه تنها به اصلاح نظام‌های اقتصادی و فرهنگی گذشت؛ بلکه تأثیرات شگرفی بر تحولات سیاسی و فرهنگی و علمی جهان اسلام نیز داشت. یکی از اقدامات این حکومت، حمایت همه‌جانبه از طریقت‌های صوفیه در شام و قدس و مصر بود. علاوه بر این اتخاذ سیاست ساخت مدارس دینی و مذهبی و طریقتی در مناطق تحت سلطه نیز بر رشد تکاپوهای صوفیه موثر بود. بخشی از این مؤسسات علمی و مدارس و بنیادهای خیریه صوفیانه پیش‌تر در دولت ایوبیان دستکم در بیت‌المقدس راه‌اندازی شده بودند و پاره‌ای از آنها نیز در فرایند نوسازی شهر بیت‌المقدس پس از جنگ‌های صلیبی نوسازی و بازتأسیس شدند. نهادهای علمی و آموزشی صوفیانه بیشترین اقبال را از سوی سلاطین و امرا و اشراف مملوکی یافتند تا هم افزون و پرشمار شوند و هم موقعیتی مناسب‌تر نسبت به گذشته به دست آورند. سلاطین و کارگزاران مملوکی با انگیزه‌های مختلف، راهبرد‌های همچون تظاهر به تعصب و تقید دینی را در پیش گرفتند تا در کنار تقویت و گسترش مذهب تسنن، مقبولیت و مشروعیت مورد نیاز حاکمیت را نزد عموم اتباع و عامه مردم نهادینه کنند. در این میان از همه مهم‌تر اصلاح امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی فضای شهری قدس پس از بحران جنگی صلیبی و مدیریت اذهان عمومی مردم آسیب‌دیده از جنگ و منازعات در پناه‌جستن به صوفیه بود که همچون محملی آرام، مطمئن و کارآمد، به تأسیس و تقویت و گسترش مدارس و مؤسسات آموزشی صوفیه همت گماشتند. این تلاش پرثمر دو نتیجه مشخص داشت نخست: رونق و تداوم طریقت‌های صوفیه را در مصر و شام بویژه بیت‌المقدس فراهم آورد و دوم: تسهیل مقبولیت و تحصیل مشروعیت در جهان تسنن را برای حکمرانان مملوکی به دنبال داشت. در این عصر آنچه توانست به اقبال تصوف بیفزاید، روی گردانی از زهد انفرادی و همت در حضور فعال در مجامع علمی بود. آنان با تأسیس مجموعه‌ای نظام‌مند و تشکیلاتی از نهادهای وابسته به‌ویژه نهادهای پرکارکردی مثل مدرسه و خانقاه و رباط و زاویه و در انداختن شقوق مختلفی چون طریقت‌های مختلف صوفیه از قبیل: نقشبندیه، خلوتیه، رفاعیه، قادریه، یونسیه،

شاذلیه، قلندریه، بسطامیه (طیفوریه) در تقویت نهاد قدرت دینی ممالیک موثر بودند. همین تاثیر ترغیب مدام ممالیک را برای حمایت از صوفیه برمی انگیزد.

بدین ترتیب دوره شکوفایی تصوف در بیت المقدس آرام آرام در قالب تجربه گروهی طریقت‌ها شکل گرفت و با سازمان‌یافتگی و طرح اندیشه‌های نو صوفیانه، اجتماع کثیری از مشتاقان علم را در بیت المقدس گردآورد. مطالعات مقدماتی حاکی از آن بود که افزون بر تأسیس مساجد و مدارس در بیت المقدس، نهادهای صوفیه هم چون رباط‌ها، زاویه‌ها و خانقاه‌ها نیز در حکم رکن سوم در حال تزايد، در کنار مساجد و مدرسه‌ها توانستند به جزء جدایی‌ناپذیری از مناظر شهری و اطراف آن تبدیل شوند. این پدیده ضمن توسعه شهری بیت المقدس بعد از جنگ‌های صلیبی و ویرانی مناطق شهری در شکل‌گیری ریخت حیات شهر بیت المقدس موثر بود. تأسیس و تقویت بیش از ۵۳ نهاد صوفیانه شامل ۹ خانقاه و ۱۰ رباط و ۳۴ زاویه در بیت المقدس گواهی بر این ادعا است. به هر تقدیر با اتکاء به مطالعات تاریخی، پژوهش حاضر قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که اولاً چرا در قرون هفتم تا دهم هجری تأسیس و گسترش مدارس و مؤسسات صوفیه فزونی یافت؟ و اینکه: علل تداوم حیات مؤسسات صوفیه در بیت المقدس دستکم در این سه قرن چه بوده است؟ روش دستیابی به پاسخ این دو سوال و دیگر سوالات فرعی که در خلال پژوهش شکل گرفته است، روشی تاریخی متکی بر داده کاوی از منابع اصیل تاریخی و توصیف وضعیت و تجزیه - تحلیل داده‌های طبقه‌بندی شده و مقایسه اطلاعات تاریخی خواهد بود.

پیشینه پژوهش: گرچه همواره مسئله قدس شریف و موضوع تصوف برای محققان جذابیت داشته است؛ اما بررسی‌های پیشینه‌یابی نشان داد در زمینه علل گسترش و تداوم مؤسسات آموزشی و نهادهای صوفیه در بیت المقدس تاکنون اثر منسجم و مستقلى صورت نگرفته است؛ اگرچه در برخی آثار به مسئله تصوف در بیت المقدس و جنبه‌های گوناگون آن نظیر سیر شکل‌گیری تصوف در این منطقه و نیز کارکردهای آن اشاراتی شده است؛ لیکن علل گسترش و تداوم نهادهای صوفیه در بیت المقدس در این پژوهش‌ها مغفول مانده است. در ادامه به برخی از این آثار و وجه تفاوت آنها با پژوهش حاضر اشاره خواهد شد.

یکی از آثار موجود کتاب «معاهد العلم فی بیت المقدس» نوشته جمیل کامل عسلی (۱۹۸۱) است. نویسنده به طور مختصر اشاراتی به صوفیان در بیت المقدس عصر مملوکی دارد؛ اما از چگونگی گسترش این نهادها و چرایی تداوم آنها که نقطه تمرکز پژوهش حاضر است، سخنی به میان نیاورده است. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد سائد رفیق سعید ابولوی (۲۰۱۹) با عنوان «التصوف فی القدس فی عصر المملوکی»، به بخش‌هایی از کارکردهای نهادهای صوفیه اشاره شده است، لیکن اطاعاتی درباره علل گسترش و تداوم این نهادها ارائه نشده است. مقاله‌ای نیز از بتول شیخ و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «نهادهای صوفیه در بیت المقدس مملوکی و کارکردهای اجتماعی

و فرهنگی آنها» موجود است که نویسندگان به کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نهادهای صوفیه بیت‌المقدس پرداخته‌اند؛ اما همان‌طور که از نام مقاله برمی‌آید، هدفشان بررسی کارکردهای اجتماعی بوده است و نه یافت علل گسترش نهادهای صوفیه و سپس تداوم آنها در بیت‌المقدس؛ در دانشنامه جهان اسلام نیز در حدود یک صفحه به موضوع تصوف در بیت‌المقدس از ابتدای ورود اسلام به این سرزمین تا قرن دهم هجری به شیوه‌ای توصیفی پرداخته شده است. بدین ترتیب مقاله حاضر کوشیده است تا با مسئله‌محوری علل گسترش و تداوم نهادهای صوفیانه در بیت‌المقدس به سؤالات مطرح این مقاله پاسخ دهد مسئله‌ای که در مطالعات موجود و پیشینی، بدان پرداخته نشده است.

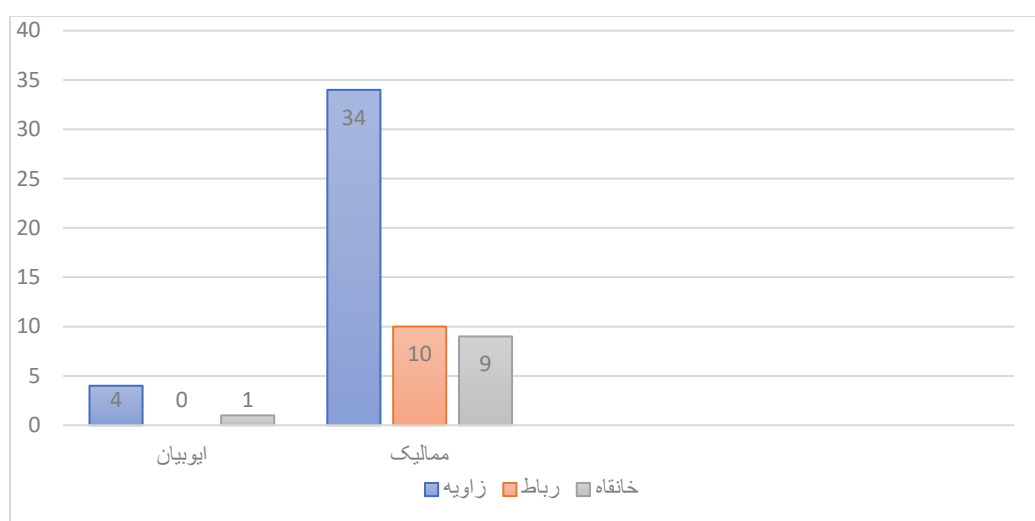
تصوف در بیت‌المقدس و شالوده گذاری نهادهای صوفیه:

تصوف به عنوان جریانی درون دینی محسوب می‌شود که تاریخ حضور آن در شامات به نیمه دوم قرن دوم هجری باز می‌گردد. اما به دلایل مختلف از جمله رویکردهای انفرادی و گرایشات زاهدانه و تمایلات عزلت طلبانه نمی‌توان تاریخ دقیقی از آن را ارائه داد. بویژه زمانی که دانسته شود تصوف از زمان پیدایش خود تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و تغییراتی هم در افکار و آراء و هم در سازمان انفرادی و اجتماعی خود تجربه کرده است. مطابق گزارش منابع موجود، کانون توجه و تمرکز تصوف در جامعه اسلامی در قرن اول هجری متکی بر پارسایی و علم باطن و قلبی بود. سپس در قرن‌های دوم و سوم هجری بزرگان صوفیه ظهور کردند و پایه‌های تصوف را بر بنیاد قواعد عرفانی متکی بر سیروس‌سلوک زاهدانه بنا نهادند. در این دوره بغداد مرکز علمی تصوف بشمار می‌آمد و حلقه‌های درس و اجتماعات علنی در آنجا برپا بود. برخی معتقدند، تصوف در حقیقت در این دوره به مفهوم واقعی شکل گرفت. (دهباشی و میرباقری، ۱۳۹۴: ۶۳-۵۲). لیکن در قرون چهار و پنجم هجری این جریان به کمال خود رسید و مخاطبان بسیاری بر گرد خویش جمع نمود. در این دوره آراء پراکنده صوفیان قرن سوم هجری و پیش از آن نظم و ثباتی یافت و مدون شد (همان: ۱۰۸-۱۱۰). همچنین توجه به جنبه نظری تصوف بیشتر شد و فرقه‌های مختلف صوفی با آداب و رسوم، خاص خود شکل گرفتند (فروهر، ۱۳۸۷: ۱۸۲). مرحله بعدی، مصادف با ظهور جنبه‌های فلسفی- عرفانی تصوف به پیشوایی ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸ق/۱۱۶۵-۱۲۴۰م) در سده هفتم هجری بود. این جریان فکری و عرفانی به دلیل ماهیت و محتوای رفتاری به سرعت در همه جای جهان اسلام که ظرفیت پذیرش داشت نفوذ یافت.

در میان کانون‌های پر مخاطب، قدس شریف یکی از کانون‌های مهمی بود که از همان آغاز مورد توجه متصوفه برای مهاجرت و سفر زیارتی قرار گرفت. زیرا هم نخستین قبله مسلمانان بود و هم در قرآن و ادبیات مذهبی مسلمانان

بسیار ستوده بود. با کمی تأمل می‌توان نمودهای مراحل رشد و تکوین پیش‌گفته تصوف در بیت‌المقدس را ملاحظه و بازنمایی کرد. چرا که نهضت تصوف در این منطقه به دلیل قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قدس شریف سرشار از نشاط و از جایگاه معتبری برخوردار بود. از نخستین سده‌های اسلامی بسیاری از صوفیان از جمله: قبیصه بن ذویب، عبدالله بن محیریز و هانی بن کلثوم برای زیارت به بیت‌المقدس می‌آمدند و اوقات خود را در آنجا به خلوت و مراقبه می‌گذراندند (ابن تمیم مقدسی، ۱۹۹۴: ۳۳۹). گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که از قرن دوم و سوم که تصوف پدیدار شد، بزرگان صوفیه که در رأس آنها رابعه عدویه، سری سقطی، بشر بن حارث حافی، ابراهیم ادهم، سفیان ثوری و ذوالنون مصری قرار داشت، به بیت‌المقدس سفر کرده و مدتی در آنجا اقامت داشتند (همان: ۴۵۹-۴۵۰). بیت‌المقدس در سده‌های بعد نیز جاذبه قدسی و معنوی خود را همچنان حفظ کرد. ناصر خسرو قبادیانی — که در ۴۳۸ ق / ۱۰۴۷ م به این شهر سفر کرد و حدود دو ماه در آنجا ماند — در سفرنامه خود مکان‌های زیارتی شهر و اطراف آن را با جزئیات بسیار شرح داده است، او به کثرت زائرانی که به آنجا می‌آمده‌اند، اشارات مفصّلی کرده است. بنا بر گزارش ناصر خسرو، صوفیان در بیرون مسجد قدس در مکان‌هایی که وی آنها را «دریوزه صوفیان» می‌نامد، مسکن داشتند و در آنجا به ذکر و نماز مشغول بودند. در فضای پیرامون قبه الصخره نیز همواره جمعی از زاهدان و عابدان به عبادت و مراقبه می‌پرداختند (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۳۵-۲۸) بی شک همین جاذبه قدسی و معنوی بیت‌المقدس بود که در حدود ۵۰ سال بعد، ابو حامد محمد غزالی را از بغداد به شام و سپس به این شهر کشانید تا در خلوت خود آنچه را گم کرده بود، باز یابد. غزالی در همین ایام خلوت و عبادت، همه یا بخش‌هایی از کتاب احیاء علوم‌الدین خود را نوشت (غزالی، ۱۹۷۴: ۱۴۲؛ سبکی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۲۱۵؛ همایی، ۱۳۴۲: ۱۵۹-۱۵۶). محی‌الدین ابن عربی نیز در سفرهای خود به شرق ظاهراً یک‌بار در اواخر سده ۶ ق / ۱۲ م و بار دیگر در اوایل سده ۷ ق / ۱۳ م به بیت‌المقدس رفته، و مدتی در آنجا رحل اقامت افکنده بود (ابن عربی، ۱۹۸۹: ۱۰۵). با آنکه بیت‌المقدس در دوره جنگ‌های صلیبی آسیب فراوانی دیده بود و زندگی مسلمانان در آنجا با مشکلات بسیاری روبه‌رو شد، پس از این دوران، با تلاش و حمایت‌های صلاح‌الدین ایوبی از تصوف، زندگی معنوی شهر دوباره رونق گرفت، طریقت‌ها و تشکلهای منظم صوفیانه در بیت‌المقدس ظاهر شد و با موقوفات و بودجه‌هایی که به آنها اختصاص یافت، زاویه نصیری (۴۵۰)، خانقاه صلاحیه (۵۸۵)، زاویه ختنیه (۵۸۷)، زاویه جراحیه (۵۹۸) و زاویه درگاه (۶۱۳) به ترتیب سال‌های ذکر شده در آنجا ساخته شد (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۱۰۰-۷۶)، اما پس از این دوران، با به‌قدرت‌رسیدن ممالیک در ابتدای سده ۷ ق / ۱۳ م، فعالیت صوفیه در قالب طریقت‌های مختلف متمرکز شد و با حمایت دولت مملوکی از ساخت و وقف خانقاه‌ها، زوایا و رباط‌ها در بیت‌المقدس، شمار این گونه مؤسسات رو به فزونی نهاد و مهاجرت صوفیان از نقاط گوناگون سرزمین‌های اسلامی به این شهر افزایش یافت. با نگاهی به انس‌الجلیل، اثر مشهور عبدالرحمان علیمی، به‌روشنی پیداست که در سده‌های ۸-۹ ق / ۱۵-۱۴ م بیشتر

طریقت صوفیه در قدس فعال بوده، و با در اختیار داشتن زاویه‌های متعدد، ساکنان و مشتاقان را به خود جذب می‌کرده‌اند. (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۱۰۱-۷۶) شمار نهادهای صوفیه در بیت‌المقدس چندان افزایش یافت که در کنار مساجد و مدرسه‌ها به جزء جدایی‌ناپذیر مناظر شهر و اطراف آن تبدیل شدند. بنیاد بیش از ۵۳ نهاد صوفیه (۹ خانقاه ۱۰ رباط و ۳۴ زاویه) در بیت‌المقدس گواهی است بر این ادعا است. فهرست نهادهای صوفیه تأسیس شده در بیت‌المقدس از سال ۶۵۰ تا ۸۴۴ هجری، به همراه مؤسسان آنها نشان از نشاط مدرسه‌سازی و یا نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت صوفیانه دارد (شیخ و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۱-۱۰۶)



نمودار ۱: روند رشد و گسترش نهادهای صوفیه در بیت‌المقدس در عصر ایوبیان و ممالیک^۱

باتوجه به آمارهای موجود و نمودار ب، چنین به نظر می‌رسد که در دوره ایوبیان به دلیل احساسات مذهبی، آثار جنگ‌های صلیبی، و از همه مهم‌تر علاقه و حمایت سلاطین و شاهزادگان ایوبی از تصوف، رشد و گسترش نهادهای صوفیه در بیت‌المقدس فزونی گرفته است. مطابق این آمارها و داده‌های تاریخی در این دوره ۵ نهاد صوفیه (۱ خانقاه، ۴ زاویه) تأسیس شده است صرف‌نظر از رویکرد کمی در تأسیس آنها می‌توان هدف از تأسیس این نهادها

^۱ - این نمودار براساس یافته‌های تحقیق توسط نگارندگان و به منظور درک بهتر خوانندگان و بر اساس منابع از جمله: الانس الجلیل بتاريخ القدس والخليل، معاهد العلم فی بیت المقدس، و اسناد: اوقاف واملاک مسلمین فی فلسطين فی الویه غزه، قدس شریف، نابلس، عجلون، سجل اراضی لواء قدس تنظیم شده است.

را در پناه‌دادن به فقرا، یتیمان، بیوه‌ها و تدارکات جهاد مجاهدان و تأمین غذا، نوشیدنی، پوشاک، حفاظت و سرپناه برای آنها خلاصه کرد (ابن نباته، ۱۹۹۵: ۵۴-۵۲).

روی کار آمدن ممالیک و قدرت‌گیری در قرن هفتم هجری پس از ایوبیان موجب نشد تا سیاست تصوف گستری آنان متوقف شود؛ بلکه به دلایل مختلف از جمله درگیر بودن با بحران‌های درونی و بیرونی و از همه مهم‌تر بحران مشروعیت و مشکل صلیبیان، کماکان سیاست گسترش تصوف و نهادهای صوفیه جهت مدیریت عامه مردم از سر گرفته شد. سلاطین، امرای و شاهزادگان مملوکی، با انگیزه‌هایی مختلفی هم‌چون خودنمایی در نمایش تعصب دینی، احساس ضرورت تقویت و گسترش مذهب تسنن، ایجاد مقبولیت و تحکیم مبانی مشروعیت حکومت، به تأسیس نهادهای آموزشی و فرهنگی صوفیه علاقه نشان دهند و اقدامات فرهنگی خود را همسو با تقویت صوفیان و ایجاد مدارس و نهادهای تعلیمی به‌منظور رشد و شکوفایی علمی و آموزشی تنظیم و اجرا نمایند.

بر اساس اسناد و مدارک موجود از سال ۶۵۰ هجری هم‌زمان با گسترش تصوف در مناطق و سرزمین‌های اسلامی روند تأسیس نهادهای صوفیه در شامات آغاز شد و در دوره ایوبیان شتاب بیشتری گرفت. باگذشت زمان و باتوجه‌به دلایلی که یافت آنها کار پژوهش حاضر است، بر تعداد نهادهای صوفیه اضافه شد و اقشار پرنفوذ و ثروتمندان و اشراف در کنار سلاطین، امرا، علما علاوه بر تأسیس این نهادها به ترویج ماهیت تعلیمی آنها دامن زدند تا بتوانند مخاطبان و مراجعان و متقاضیان را از اقصی‌نقاط به آنجا جلب نمایند. براین‌اساس مؤسسات صوفیانه در زمان ممالیک به درجات مختلف در شهر بیت‌المقدس گسترش یافتند. در میان این مؤسسات زاویه‌ها بیشترین فراوانی را دارند و پس از آن رباط‌ها و سپس خانقاه‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین نهادهای صوفیانه دستکم تا آن زمان شناخته شده هستند. نقش این نهادهای صوفیه در عرصه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی در بیت‌المقدس عصر مملوکی انکارناپذیر است؛ اما آنچه مسلم است تاریخ ساخت یا وقف خانقاه‌ها، رباط‌ها و زاویه‌های بیت‌المقدس نشان می‌دهد که بیشتر این گونه بناها در سده‌های پس از جنگ‌های صلیبی، به‌ویژه در دوره مملوکی ساخته یا وقف شده‌اند.

طریقت‌های صوفیه در بیت‌المقدس عصر مملوکی

بنا بر روایت‌های تاریخی از قرن سوم هجری به بعد صوفیان آرام‌آرام گرد طائفه‌ها و شیوخ صوفی جمع شده و دارای انضباط اجتماعی و تا حدودی سازمان‌یافته شدند. در این روند توجه کارگزاران حکومتی و بهره‌وری صوفیان از این امتیاز، نقش مهمی داشت. از آنجا که طریقت‌ها و سلسله‌ها، خواه‌ناخواه تأثیراتی بر فرهنگ و حیات

اجتماعی و رویکردهای سیاسی، سبک زندگی و معیشت اقتصادی هر دوره داشتند. در بررسی علل پایداری و تداوم و گسترش نهادهای صوفیه در دوره مورد بحث، مطالعه طریقت‌های فعال امری لازم به نظر می‌رسد.

طریقت رفاعیه: این طریقه یکی از قدیمی‌ترین سلسله‌های صوفیه است که در قرن ششم هجری در بصره به وجود آمد و از آنجا به مصر و شامات راه یافت. (نابلسی، ۱۴۱۱: ۱۷) مؤسس این طریقه سید احمد رفاعی (۵۷۸- ۵۱۲ ه.ق) صوفی و فقیهی است که در جنوب عراق می‌زیست. در همان قرن ششم زمینه تأسیس طریقت رفاعیه در شامات و فلسطین فراهم شد (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۰). پس از نفوذ و گسترش در بیت المقدس این طریقت در دو زاویه که یکی از آنها به فقرای هندی اختصاص یافت و زاویه هنود نامیده می‌شد. (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۱۰۰؛ الیعقوب، ۱۹۹۹، ج ۲: ۳۶۲) و دیگری در باب غوانمه که به زاویه ابی آل سعود اختصاص داشت، (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۱) تداوم یافت.

طریقت قادریه: این طریقه منسوب به شیخ عبدالقادر گیلانی ملقب به محی‌الدین (۴۷۱- ۵۶۱ ق/ ۱۰۷۸- ۱۱۶۶ م) است که بنا به گفته اکثر شرح‌حال‌نویسان نسب علوی دارد و در توابع گیلان به دنیا آمد. طریقت قادریه توسط او بنا نهاده شد و وی پس از عزیمت به عراق این طریقت را در مدرسه جنیدیه پایه نهاد (نابلسی، ۱۴۱۱: ۱۷/۱) و سپس به شام منتقل شد در سده هفتم هجری از طریق شاگردانش به مصر و از آنجا به بیت المقدس راه یافت و در محله الواد زاویه‌ای برای این طریقت تأسیس شد که به آن زاویه افغانه نیز می‌گفتند. این طریقت بعدها به یکی از بزرگ‌ترین طریقت‌های صوفیه تبدیل شد (عسلی، ۱۹۹۹: ۳۱۲).

طریقت قلندریه: این طریقت از صوفیان ملامتی مسلک بودند که حوالی قرن هفتم هجری در قالب یک مکتب فکری-اجتماعی ظهور کردند و به بی‌قیدی و تخریب عادات و تابوشکنی، شهره شدند. اطلاعات درباره مؤسسان این طریقت بدرستی مشخص نیست، لیکن با ظهور کسانی چون جمال الدین ساوجی (م ۶۳۰ ق) و قطب الدین حیدر (م ۶۱۸ ق)، قلندریه از یک جریان فکری و ملی، به یک طریقت و فرقه تبدیل شد و هرچه جلوتر می‌رفت، ابتدال و انحطاط آن‌ها نیز بیشتر می‌شد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۸۱) این طریقت بسرعت در مناطق مختلف جهان اسلام بویژه ایران، هند و آناتولی و شمال شام گسترش یافت و سپس وارد سرزمین مصر و شام شد. در شهر بیت المقدس زاویه‌ای به نام قلندریه در قبرستان مامیلا برای پیروان این طریقت که با تراشیدن ریش و ابروهای خود از دیگران متمایز می‌شدند، بنا شد.

طریقت یونسیه: این طریقت به یونس بن یوسف بن مساعد شیبانی خارقى القنّی. منسوب است. (الذهبی، ۱۹۹۳: ۴۴/۴۷۱) پیروان این طریقت در قرن هشتم در بیت المقدس زاویه‌ای در باب ناظر تأسیس کردند (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۹۳).

طریقت بسطامیه یا طیفوریه: این طریقت به ابو یزید طیفور بن عیسی بن سروشان بسطامی (۱۸۸ هـ ۸۰۳ م - ۲۶۱ هـ ۸۷۴ م) از مردم بسطام خراسان منسوب است. (مکانسی، ۲۰۰۳: ۱۵۶) وی بزرگترین صوفی متقدم قائل به وحدت وجود و فناء بود و اتباعش طیفوریه یا بسطامیه نامیده می‌شوند، (حبیبی، ۱/۱۳۸۰/۹۰۸). این طریقت در بیت المقدس و محدوده جغرافیایی فلسطین پا گرفت و از آنجا به قاهره و دمشق گسترش یافت. در عصر ممالیک به دلیل حمایت سلاطین و امرا از صوفیان و تخصیص شمار زیادی موقوفات به آنها، طریقت بسطامیه رشد و گسترش بیش‌تری یافت و می‌توان ادعا کرد که دوره شکوفایی این طریقت در عصر ممالیک بوده است. در بیت المقدس دو زاویه برای این طریقت ساخته شد. اولی در محله مشارقه توسط عبدالله بن خلیل اسدآبادی بسطامی (متوفی ۷۹۶) تأسیس شد و دومی نزدیک باب رحمه که گمان می‌شود در قرن هشتم (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۲؛ علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۱۰۰؛ الیعقوب، ۱۹۹۹، ج ۲: ۳۵۸).

طریقت نقشبندیه: این طریقت به محمد بهاء الدین نقشبند بن محمد بخاری (۷۱۸-۷۹۱ هـ)، ملقب به شاه نقشبند منسوب است و در مناطق مختلف ماوراءالنهر و خراسان گسترش یافت و سپس به آناتولی و شامات و هند رفت و در آنجا پیروانش زیاد شدند. این طریقت در قرن هشتم هجری در شهر بیت المقدس ظاهر شد و از زاویه‌های متعلق به این طریقت، زاویه نقشبندیه (ازبکیه) واقع در نزدیکی باب غوانمه، است (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۵۱ و ۳۱۳). لازم به ذکر است که این طریقت به دلیل ارتباط نزدیک با حکومت، یکی از مهم‌ترین فرقه‌های صوفیانه به شمار می‌رود تا جایی که دولت از شیوخ آنها حمایت مادی و معنوی می‌کرد و آنها را با تجلیل و تکریم خطاب می‌کرد (ابولاوی، ۲۰۱۹: ۵۲).

طریقت خلوتیه: این طریقت به شیخ محمد خلوتی منسوب است که اولین نسب خود را به جنید می‌رساند. در مناطق مختلف ترکیه، مصر و شام گسترش یافت و سپس از طریق شیوخ ارشد خلوتیه از لبنان به فلسطین و بیت المقدس رفت و در آنجا پیروانش زیاد شدند (همان: ۵۴-۵۳).

طریقت شاذلیه: پایه‌گذار این طریقت ابوالحسن علی بن عبدالله بن عبد الجبار شاذلی است که از اهالی مغرب اقصی بود. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۱۸۷/۱) وی در اسکندریه مصر ساکن شد و طریقت شاذلیه را بنا نهاد. پیروان این طریقت معتقد به نظریه وحدت وجود ابن عربی و از قدرتمندترین صوفیان سیاسی عصر مملوکی بودند که در عزل

و نصب سلاطین دست داشتند. این طریقت توسط شاگردان عبدالجبار شاذلی وارد بیت المقدس شد و در قرن نهم هجری توسط طریقه وفائیه که یکی از شاخه‌های شاذلیه است از طریق زاویه وفائیه نزدیک باب ناظر فعال بوده است (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۳؛ ابولاوی، ۲۰۱۹: ۵۷).

طریقت وفائیه: این فرقه شاخه‌ای از طریقت شاذلیه است که توسط ابوالحسن علی بن عبدالله شاذلی المغربی (۶۵۶-۵۹۱ هـ ق) در قرن هفتم هجری تأسیس شد و دامنه نفوذ آن در قرن هشتم هجری به شامات رسید و از آنجا به بیت المقدس راه یافت. دو زاویه به نام این طریقت در بیت المقدس تأسیس شد که یکی از آنها زاویه وفائیه واقع در باب ناظر که گمان می‌شود (کردعلی، ۱۴۰۳: ۶/ ۱۴۸-۱۴۹) در قرن نهم بنا شده است و دیگری زاویه الحمراء که تاریخ تأسیس آن مشخص نیست، اما این زاویه به فقرای وفائیه اختصاص داشته است (نابلسی، ۱۴۱۱، ۲/ ۹۹).

علل تداوم و گسترش نهادهای صوفیه در بیت المقدس

گرچه نفوذ صوفیه به صفحات شمال و شمال غربی شامات و شمال آفریقا اساساً از همان بدو شکل‌گیری صورت گرفت؛ اما ورود طریقتی آن و سامانیابی اجتماعی آن دستکم تا دوره پایانی ایوبیان به طول انجامید. لیکن مطابق بررسی‌های صورت‌گرفته تاریخ رشد و گسترش نهادی صوفیه به گونه‌ای همه‌گیر به عصر ممالیک باز می‌گردد. تا جایی که می‌توان دوره ممالیک را عصر رونق خانقاهی و زاویه‌نشینی صوفیه دانست. به هر صورت چنین به نظر می‌رسد که این سیاست به پیروی از ایوبیان از آغاز دوره ممالیک شروع و تا پایان عصر آنها به طول انجامیده است. رواج خانقاه سازی و زاویه پردازی برای تقویت صوفیه و تأسیس مدارس وابسته به آنان به منظور ترویج طریقه‌های صوفی موجب رقابت میان سلاطین و امرای قدرتمند ممالیک را فراهم آورد تا جایی که این رغبت و اشتیاق در توسعه دامنه گرایش به صوفیه به سنتی معمول تبدیل شد. این فرهنگ حتی به روی نسل‌های بعدی نیز تا به امروز تأثیر گذاشت.

اینکه علل تداوم و گسترش نهادهای صوفیه در بیت المقدس عصر مملوکی چیست؟ و اینکه چرا نهادها و مؤسسات صوفیه علی‌رغم داشتن رقیبان سرسختی چون شیعیان و علویان توانستند به حیات اجتماعی و مذهبی خود ادامه دهند؟ مسئله و دغدغه پژوهش حاضر است. هرچند در پاسخ به این سؤال، پرسش‌های دیگری نیز مطرح است؛ مانند این که جغرافیا، فرهنگ، بافتارهای اجتماعی و حتی نیاز دولت‌ها چگونه بر دیرپایی و تداوم متصوفه و مؤسسات صوفیه مؤثر بوده است؟ لیکن پاسخ به این پرسش‌ها تا جایی مقدور است که بتوان ابتدا دیرپایی و قدمت و استمرار وجود و حضور تصوف را مطالعه و بررسی و دستکم اثبات کرد. بدین منظور می‌بایست در بررسی علل تداوم نهادهای صوفیه در بیت المقدس علاوه بر بررسی تمامی مسائل مترتب از جمله فرهنگ، اقتصاد و اجتماع

گرفته تا سیاست و جغرافیا که چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر صوفیه مؤثر بوده است، مولفه‌های دیگری چون تزکیه نفس، ورع شدید، راحت‌طلبی، گریز از مسئولیت‌های اجتماعی، فقر اقتصادی، وضع روانی، خیال‌پردازی، تأثیر مذاهب غیراسلامی، واکنش در برابر حملات صلیبی‌ها و مغولان، عکس‌العمل در برابر فرمانروایان ستمگر، مخالفت با سیاست‌های روز و جاذبه‌های این طریقت‌ها همچون سماع و تساهل بسیاری از علل دیگر افزود.

۱. **سیاست حمایتی دولت ممالیک** : در میان شمار زیادی از عوامل موجود که به بسترسازی جهت رشد و ازدیاد و مانایی مراکز قدیمی صوفیه در شامات و به تبع آن در بیت‌المقدس انجامید، سیاست حمایتی دولت ممالیک از صوفیه به‌عنوان عامل موثر، اهمیت بیشینه دارد؛ چراکه حضور صوفیه با مجموعه‌ای از آداب و مناسک که به شاکله دولت ممالیک و البته سایر دولت‌های منتفع از صوفیه لطمه‌ای وارد نمی‌کرد، می‌توانست هم در مشروعیت و هم در مقبولیت و حتی در رفع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی کمک‌رسان دولت ممالیک باشد. آنچه مسلم است تاریخ تأسیس دولت مملوکی حاکی از آن است که مؤسسان آن در خلایق از قدرت بر مسند سلطنت مصر فراز آمدند. ضعف ایوبیان به دلیل درگیری مستقیم با صلیبیان و خلاء حاکمیت قدرتمند، ترکان چرکسی مملوک را که در آغاز به‌واسطه قدرت نظامی بر مردم مسلط شده بودند، وارد عرصه سیاسی کرد و آنان به‌سرعت در منازعات قدرت کسب مشروعیت، به ارتباط یابی با گروه‌ها و طبقات اجتماعی به‌ویژه دسته‌ها سنی و نیز صوفیه برآمدند تا پایگاه خویش را در میان مردم تقویت کنند. در میان این گروه‌ها و فرقه‌ها، صوفیه و فرهنگ تصوف به دلیل قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آیینی و مشرب‌انروا طلبانه گزینه‌ای برتر می‌نمود. البته برای صوفیان هم تعامل با حاکمیت یک فرصت برای مانایی و دوام بود. انگیزه طرفین در برقراری این رابطه دوسویه و مشروعیت‌بخشی به حمایت حاکمیت مملوک علاوه بر تقویت کارگزاران فرهنگی و سیاسی و استحکام دولت آنان و نیز دوام صوفیه، می‌توانست منجر به تربیت نیروی موردنیاز حاکمیت در بخش‌های مختلف شود؛ چنان‌که با در اختیار گرفتن و تربیت نخبگان دینی و برتری بخشی به نخبگان فرهنگی و سیاسی آن‌هم دسته‌های صوفی ترمیم خلأهای حاکمیت آسان‌تر بود. با همین هدف ممالیک دست به ساخت و گسترش نهادهای صوفیه می‌زدند (مقریزی، ۱۹۸۷، ج ۴: ۳۹۲ و ۴۲۵). این ادعا در فهرست مؤسسات و نهادهای صوفی که با حمایت سلاطین مملوک از نهادهای صوفیانه در بیت‌المقدس ساخته و یا ترمیم و تجهیز و حتی وقف شده است، قابل اثبات است. به‌عنوان نمونه می‌توان به زاویه شیخ خضر که ملک ظاهر بیبرس برای او وقف نمود و یا رباط علاءالدین البصیر که امیر آیدغدی که ناظر حرمین از سوی حکومت ممالیک در قدس بود، آن را وقف کرده و در همین رباط به خاک سپرده شد (امام، ۱۹۷۶: ۵۲). اشاره نمود. افزون بر این موارد، می‌شود به رباط منصوری که ملک ناصر وقف کرد و رباط الکرد که توسط سیفی گرد که دارای مناصب مختلفی چون امیر آخور و ساقی و نیابت طرابلس در دوره‌های مختلف بود، اشاره کرد. (عسلی، ۱۹۸۱:

۳۲۰-۳۱۷). همچنین در منابع به تصریح آمده که مشیخه خانقاه صالحیه به طور مستقیم از سوی سلطان مملوکی برگزیده می‌شده است (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۲۱۵-۲۱۱). علاوه بر این درباره زاویه وفائیه می‌توان گفت که به احتمال زیاد امیر منجک همان‌طور که در شرفات زاویه‌ای برای پیروان فرقه وفائیه تأسیس کرده در قدس نیز به برپایی زاویه وفائیه کمک رسانده باشد؛ چرا که این زاویه مقابل مدرسه منجکیه قرار دارد (luz, ۲۰۰۲: ۱۳۳). ۱۵۴ زاویه مهم‌آزیه نیز با مساعدت ملک صالح اسماعیل بن ناصر محمد بن قلاوون ایجاد کرد (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۹۰). نمونه‌ای دیگر از حمایت و علاقه مرجعیت سیاسی و مقامات آن به صوفیان، ساختن زاویه امینیّه توسط وزیر امین‌الدین عبدالله در زمان سلطان قلاوون در سال ۷۳۰ هجری است که موقوفاتی بسیاری برای آن وقف شد (عسلی، ۱۹۸۱: ۲۳۵؛ ابن نباته، ۱۹۹۵: ۱۸). این موارد همگی نشان از پیوند مستقیم و مستحکم میان حاکمان و صوفیان در قدس دارد و گویای این است که حکمرانان مملوکی ارتباط خوبی با صوفیان داشته و چه‌بسا با فراهم کردن شرایط و اسباب صوفیگری به دنبال مشروعیت‌یابی از سوی اهل تصوف که در میان عموم جامعه مقبولیت داشتند، بودند.

از سوی دیگر، نهادهای صوفیه در سیاست‌های داخلی و خارجی دولت، پشتیبان و پایبند به آنها بودند و آداب و رسوم خود را آزادانه انجام می‌دادند و از هرگونه انتقاد و انقلاب علیه دولت اجتناب می‌کردند؛ بنابراین نهادهای صوفیه به عنوان شاخه‌ای ایدئولوژیک از حکومت عمل می‌کردند، از این نظر که صوفیانی که در این نهادها زندگی می‌کردند خواسته یا ناخواسته در مشروعیت بخشی به حکمرانان مملوکی مشارکت داشتند. نمونه‌های فراوانی از پیوند نزدیک صوفیان با سلاطین ممالیک وجود دارد که موید این ادعاست؛ از جمله: انتصاب برخی از شیوخ صوفیه مستقیماً از جانب نایب سلطان در دمشق و از طریق فرمانی همراه با عبارات تکریم و تمجید، مانند حکم انتصاب ابراهیم بن تقی الدین ابوبکر موصلی (ابن نباته، ۱۹۹۵: ۱۹). علاوه بر این، برخی از اهل تصوف در دولت مملوک مناصب عالی را به دست گرفتند، کسانی چون صوفی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد قومی، قضاوت ناحیه الخلیل و سپس ناحیه بیت المقدس را در سال (۸۳۰) عهده‌دار شد (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۳؛ علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۲۱۸).

ابن جوزی در بررسی علل رشد تصوف، دو عامل را در این مسئله تأثیرگذار می‌داند. وی می‌گوید: «نقطه حساس در ذهن مسلمین قرون نخستین، زهد دوستی بوده است و صوفیه نقطه حساس آنها را یافته و بدان تأکید کرده‌اند. دیگر اینکه خشونت ظاهری فقها سبب دوری مردم از آنها و تمایل به تصوف بوده است» (ابن جوزی، ۱۴۰۳: ۱۵۸-۱۵۷). همچنین در انگیزه دیگر گروه‌های ثروتمند و مقتدر جامعه هم‌چون بازرگانان و علما در ساخت این نهادها باید اندکی تأمل کرد. ممکن است آنها علاوه بر انگیزه خیرخواهانه، دارای اهداف سیاسی نیز بوده باشند.

۲. مهاجرت علما و صوفیان: با حمایت ممالیک، قرن ۹-۸ هجری را می‌توان دوران شکوفایی تصوف در بیت‌المقدس دانست، زیرا علاوه بر حمایت حاکمان، دور بودن این منطقه از حملات مغولان هم می‌توانست موجب هجرت علما و صوفیان پرشماری به این منطقه بوده باشد. برخی از این صوفیان مهاجر، بانی مؤسسات و بنیان‌گذار طریقت صوفیه یا مروج آن بودند در میان آنها می‌توان به: «احمدرفاعی» از مصر از مؤسسان طریقت رفاعیه، از بغداد «الجبار گیلانی» مؤسس طریقت قادریه، «محمد بهاء‌الدین» از ماوراءالنهر و خراسان که طریقت نقشبندیه منسوب به اوست، «شیخ ابراهیم قلندری» از ایران و آناتولی که طریقت نقشبندیه منسوب به اوست و عبدالجبار شاذلی از مغرب و مصر که مؤسس طریقت شاذلیه بود اشاره کرد. ورود این رهبران صوفیه به بیت‌المقدس بانفوذ و گسترش صوفیه در این سرزمین همراه بود و همچنین در همین سده‌ها، صوفیان برجسته‌ای در این شهر ساکن شدند که شرح زندگی بسیاری از آنان در آثار تاریخی و یا مطالعات موجود است (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۲۴۸-۲۳۷؛ معصوم علی‌شاه، ۱۳۵۴، ج ۳: ۸۴-۷۲؛ عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۴-۳۱۰).

۳. تعامل میان صوفیان و ممالیک: با مهاجرت وسیع علما و صوفیان صاحب نام و تاثیر گذار به منطقه شامات و بیت‌المقدس خانقاه‌های این منطقه رونق بیشینه یافت. در این میان رابطه‌ای دوسویه میان صوفیان و سلاطین مملوکی شکل گرفت که منافع طرفینی را در پی داشت. زیرا هم صوفیان در جهت ترویج طریقتشان و یا اجرای آداب و مناسکشان آزاد بودند و هم سلاطین در کسب مقبولیت و مشروعیت از جانب صوفیان منتفع می‌شدند. بی‌گمان آنچه موجبات گسترش و انتشار این طریقت‌ها و نهادهای وابسته به آن را فراهم می‌آورد، تشویق و حمایت حکام مملوکی از صوفیه بود. اوضاع نابسامان اقتصادی سرزمین‌های اسلامی ناشی از سوءمدیریت و نیز ویرانی زیرساخت‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از جنگ‌های صلیبی مستمر و بحران منطقه‌ای ناشی از بازخوردهای حملات مغولان در شرق و ضعف دولت‌های محلی به علل مختلف به‌ویژه فروپاشی خلافت عباسیان و سردرگمی جهان اسلام در شوک وارده از مغولان باعث شده بود تا سلاطین وقت مملوک در پی مدیریت بحران‌های موجود باشند. نخستین خدمت صوفیان به جامعه تحت سلطه‌شان آرام کردن اوضاع باسیاست انزوا و عزلت‌گزینی بود. صوفیه در جهت‌دهی به افکار و عقاید عامه مردم مؤثر بودند. مشغول نمودن افکار عمومی به موضوعات صوفیه چون معنویات و عبادات و مناسک مداوم می‌توانست آنها را به‌جای فکرکردن در مورد اوضاع ناهمگون اجتماعی و اقتصادی، و یا واداشتن به انقلاب و شورش علیه حاکم، به خانقاه، زاویه و رباط نشینی رهنمون کند.

۴. وقف و اوقاف: افزون بر موارد پیش گفته، یکی دیگر از عللی که نقشی اساسی در رشد و گسترش نهادهای صوفیه در بیت‌المقدس داشته موضوع وقف و اوقاف است که به دلیل وسعت عملکردی و نیز تنوع مؤسسات آن در رونق و تداوم صوفیه مؤثر بوده‌اند. مطابق گزارش منابع تاریخی، در دوره اول دولت ممالیک (بحری)، رونق تجارت و

توسعه راه‌های ارتباطی - تجاری و نیز شکوفایی و رشد مراکز علمی، رونق حیات شهری را به همراه داشت؛ به‌طوری که شهر بیت‌المقدس در این دوره شهری مهم و معنوی با انبوهی از شهرنشینان در ملیت‌های مختلف بود. تنوع و گوناگونی این جمعیت در ساختن تعداد زیادی از نهادهای صوفیه متجلی است. (حافظ النقر، ۲۰۰۶: ۱۴۸-۱۲۰). این نهادها که با تصمیم امیران خیر و در راستای اقدامات عام‌المنفعه سلاطین مملوکی ایجاد شدند، نیازمند استقلال مالی بودند. به همین منظور، از سنت وقف در جهت استقلال نهادها و مؤسسات آموزشی و علمی بهره بردند و عمده وقفیات نیز در این دوره به این نهادها اختصاص می‌یافت و موقوفات تأمین‌کننده نیازهای اقتصادی نهادهای صوفیه محسوب می‌شدند و زمینه رشد و تداوم آنها را تضمین و فراهم می‌کردند. در واقع سلاطین مملوکی، خانقاه، رباط، زاویه‌هایی برای صوفیان روزگار خود بنا نهادند و اموالی را وقف این نهادها کردند و برای مشایخ مستمری قرار دادند؛ زیرا این‌گونه نهادهای صوفیه پول‌ساز نبودند، بنابراین درآمدهای حاصل از وقف می‌توانست به دوام این نهادها منجر شود. این مسئله به حدی مهم و تأثیرگذار بود که فراوانی اوقاف برای نهادهای صوفیه باعث شد تا گروهی از طالبان علم مسلک خود را تغییر دهند تا بتوانند به این نهادها وقفی راه یابند (Ephratf, ۲۰۲۰: ۲۱۳-۲۱۲). آنچه در این گزارش موردتوجه است اینکه در دوره ممالیک همه مؤسسان نهادهای آموزشی، سلاطین، امرا، افراد ثروتمند و علمای توانا و صاحب‌نفوذی بودند و منابع اقتصادی فراوانی برای وقف انواع اموال و مستغلات و سایر امور در اختیار داشتند و به‌طورکلی تعداد زیادی از روستاها؛ شهرها حمام‌ها، مغازه‌ها و املاک را برای این نهادها وقف می‌کردند (الحجی، ۱۴۱۲: ۱۴۹).

۵. مشکلات درونی و عزلت‌گزینی در نهادهای صوفیه: نکته شایان توجه اینکه وضعیت سیاسی و اجتماعی و بحران‌های به وجود آمده در دوره دوم ممالیک (برجی) به عنوان عامل درونی نیز در گسترش نهادهای صوفیه مؤثر بوده است. رفتار ناشایست سلاطین ممالیک برجی، ظلم و ستم، احتکار اموال، مصادره محصولات کشاورزی، بستن مالیات‌های زیاد بر افراد و مستغلات و بروز خشکسالی مزید بر علت شده تا اوضاع به‌شدت بحرانی شود. تمام این مصائب موجبات هر چه فقیرتر شدن مردم و گرسنگی آنها را فراهم آورد همچنین شیوع امراض کشنده و بیماری‌های همه‌گیر، قحطی و خشکسالی، کم‌آبی، زلزله، طاعون و گرسنگی از اسباب طبیعی بودند که مردم را به تصوف و برگزیدن مسلک آنها سوق داد (سیوطی، ۱۹۶۷، ج ۲: ۳۰۹-۳۰۶) طاعون در فاصله میان سال‌های ۷۶۴ تا ۹۱۸ هـ ق بارها و بارها رخ داد (مقریزی، ۱۹۹۷، ج ۴: ۳۷۴) تا جایی که طاعون به امری عادی در دوران مملوکی تبدیل شد (ابن ایاس، ۱۹۷۲، ج ۵: ۲۱). ابن ایاس از ریح‌الخماسین در سال ۹۲۲ هـ ق یاد کرده است. منظور وی پنج سال مبارکی است که در آن طاعون رخ نداد. شیوع طاعون غالباً با کم‌آبی و شیوع گرسنگی همراه می‌شد به‌طوری که مقریزی در رساله «اغاثه الامه فی کشف الغمه» از گرسنگی سال ۶۹۶ هـ ق یاد کرده است که هر کوی و برزن از تپه‌های عظیم مردگان به‌ویژه اطفال پر بود و مردم از گرسنگی بسیار هر چیزی می‌خوردند (مقریزی،

۲۰۰۷: ۵۶). عده‌ای از مردم با مشاهده این اوضاع به خدا روی آوردند و در گوشه‌ای به رازونیز پرداختند تا این بلایا رفع شود. به نظر می‌رسد که شرایط و بحران‌های سخت بیت‌المقدس، افراد را به این باور سوق می‌داد که هیچ پناهگاهی جز خدا نیست و آنها این پناهگاه را در گرایش به طریقت‌های صوفیانه تجسم و جستجو می‌کردند.

۶. جنگ‌های صلیبی و حملات مغولان: یکی دیگر از علل گسترش و مانایی نهادهای صوفیه در بیت‌المقدس بروز ناآرامی‌های اجتماعی ناشی از بحران‌های منطقه‌ای صلیبی‌ها و حملات مغول بود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر نهاد تصوف و روند گسترش آن در منطقه بیت‌المقدس تأثیر می‌گذاشت. از آنجایی که مردم در این دوره گرفتار ترس و آشوب‌های جنگ و مسائل روانی و اجتماعی مترتب بر آن بودند، به نهادهای صوفیه که محلی امن و فارغ از دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی در شرایط آن روزگار بود، روانه شدند و همین مسئله خود از اسباب گسترش مؤسسات صوفیه بود (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۰۵). علیمی به نقل از مجیرالدین حنبلی به مهاجرت صوفیان برجسته‌ای که در شهر بیت‌المقدس ساکن شدند اشاره کرده است. از جمله: شیخ ابوعبدالله محمد بن ابراهیم احمد قرشی از مغرب، شیخ عبدالله بن خلیل بن علی اسدآبادی بسطامی مؤسس زاویه بسطامیه و شیخ یعقوبی اردبیلی (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۲۴۸-۲۳۷). ابن بطوطه جهانگرد مغربی که در دوره ممالیک از بیت‌المقدس دیدن کرده است، شماری از صوفی‌های بیت‌المقدس را که دیده و با آنها گفتگو کرده است، نام می‌برد. دقت در نسب هر یک از این اشخاص نشان می‌دهد که کم‌وبیش همه ایشان از شهرهای دیگر به بیت‌المقدس کوچ کرده بودند: از جمله ابوعبدالله محمد بن مثبت غرناطی شیخ خانقاه، شیخ پارسا ابوعلی حسن معروف به محجوب، شیخ کمال‌الدین مراغه‌ای، شیخ ابو عبدالرحیم عبدالرحمن بن مصطفی از مردم ارزروم که از شاگردان تاج‌الدین رفاعی بود و که ابن بطوطه خرقه تصوف از دست او پوشیده بود (ابن بطوطه، ۱۳۶۷: ۹۷).

۷. تلفیق خانقاه و مدرسه: از دیگر عوامل تداوم نهادهای صوفیه، تلفیق آموزش صوفیانه با تحصیلات آکادمیک یا نظام مدرسی بود. به عبارتی عبادت در کنار دانش روشی بود که باعث تشویق مخاطبان به ایجاد نهادهای صوفیه در قرن هشتم هجری و پس از آن شد. بدین معنی که تصوف تدریجاً به علت علاقه‌ای که عامه نسبت به مشایخ آن نشان می‌دادند، تحت تأثیر رقابت با فقه‌های مدرسه، عوام‌پسند شد، خانقاه و رباط را در مقابل مدرسه بنیاد کردند و تعلیم آن مثل تعلیم اهل مدرسه دارای سلسله، اسناد و اجازه شد. در واقع باید به این نکته اشاره کرد که در دوره ممالیک مدرسه و خانقاه، باهم سازگار شدند و شمار زیادی «مدرسه - خانقاه» تاسیس و راه اندازی شد. از آن جمله: خانقاه دواداریه، خانقاه صلاحیه، خانقاه کریمیه، خانقاه تنکزیه، خانقاه فخریه و خانقاه موصولیه می‌باشد (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۹۹؛ عسلی، ۱۹۸۱: ۳۳۹-۳۳۰). این مراکز با رویکرد دوسویه در عبادت و تحصیل بیشترین اقبال را در جامعه ممالیک بدست آوردند.

۸. خدمات اجتماعی به فرودستان: به نظر می‌رسد یکی دیگر از علل گسترش و مانایی و فزونی اقبال نهادهای صوفیه در میان ساکنان بیت المقدس، خدمات اجتماعی این نهادها در برآورده ساختن نیازهای گروه‌های مختلف (نظیر غذا، سرپناه، اقامتگاه) در جامعه بیت المقدس بود که می‌توانست بسترهای لازم در گسترش این نهادها را فراهم آورد. به عنوان نمونه: رباط البصیر مکانی بود که توسط امیر علاءالدین آیدغدی در سال ۶۶۶ هجری بنیان نهاده شد و وقف زائران بیت المقدس شده بود. (غوانمه، ۱۹۸۲: ۱۸۰؛ عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۵) رباط گرد که توسط المقر سیفی گرد نایب طرابلس در سال ۷۳۹ هجری بنا نهاده شده بود، (کردعلی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۴۸) برای سکونت فقرا و زائران و علما و دانشجویان در بیت المقدس تأسیس شده است (العارف، ۲۰۰۵: ۳۷۶؛ غوانمه، ۱۹۸۲: ۱۸۲) زاویه مهم‌آزیه که منسوب به شیخ کمال الدین مهم‌آزی است و در سال ۷۴۵ هجری وقف فقرای ایرانی (عجمی) که وارد قدس می‌شوند شده بود (کردعلی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۴۸). زاویه نقشبندی در محله الواد و در نزدیکی شمال غربی حرم را، مؤسس طریقت نقشبندی یعنی شیخ محمد بهاء الدین نقشبندی بخاری برای پناه دادن افراد غریب و اطعام فقرای مسلمان اهل بخارا تأسیس کرده بود (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۵۱). برخی از سلاطین گاه زاویه‌ها را محل سکونت خود قرار می‌دادند، ابن کثیر به برخی از این نوع رباط‌ها و زاویه‌ها اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: سلطان الظاهر بیبرس (متوفی ۶۷۶ هـ / ۱۲۷۷ م.) در یکی از سفرهای خود به بیت المقدس در زاویه شیخ خضر اقامت کرده است (ابن کثیر، ۱۹۷۸، ج ۱۳: ۲۷۸) و سلطان فرج بن برقوق (۸۰۸ ق / ۱۴۰۵ م)، در خانقاه تنکزیه ساکن شد و بین کسانی که در آنجا اقامت داشتند، پول تقسیم کرد (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۱۶۷). در واقع سلاطین مملوک برای جلب توجه عموم و ایجاد مقبولیت توجه خاصی به جایگاه این نهادها داشتند و خودشان هم در آمدود شد به بیت المقدس، عموماً در رباط یا خانقاهی ساکن می‌شدند تا بدین وسیله به ارزش و ارج و قرب این مؤسسات در انظار عمومی تأکید داشته باشند. نهادهای صوفیه از نظر خدمات اجتماعی، قشر جوانان و زنان جامعه بیت المقدس را نیز مورد حمایت و محافظت قرار می‌داد؛ به عنوان مثال بخشی از خانقاه دوا داریه برای اسکان ۲۰ نفر جوان مجرد اختصاص داده شده بود (العارف، ۲۰۰۵: ۳۷۸) یا رباط نسائی و تنکزیه برای دوازده تن از زنان بیوه، مطلقه و سالخورده وقف شد. (عسلی، ۱۹۸۵، ج ۱: ۱۱۴). افزون بر موارد ذکر شده نقش نهادهای صوفیه در گسترش ایدئولوژی طریقت‌های صوفیان حائز اهمیت است. بسیاری از اندیشه و آراء صوفیان از طریق مسافران و اقامت گزیدگان خانقاه‌ها و صوفیان در سرزمین‌های اسلامی منتشر می‌شد و چه بسیار مسافرانی که با سکونت در خانقاه‌ها به خیل صوفیان پیوستند و پیرو طریقت‌ها شدند (ابو لاوی، ۲۰۱۹: ۱۴۷-۱۳۹) هرچن نام و نشانی از آنها در تاریخ باقی نمانده است.

۹. اقلیت‌های مذهبی و اهل ذمه: در کنار علل و عوامل ملموس یکی از علت‌های حائز اهمیت که نقشی سازنده و تاثیرگذار بر رشد و گسترش نهادهای صوفیه داشته‌اند، اقلیت‌های مذهبی ساکن در بیت المقدس هستند. زیرا دانسته است که بیت المقدس به دلیل ماهیت بین‌الادیانی و وجود مسجدالاقصی در تمام ادوار تاریخی به دلیل جاذبه عبادی و معنوی، پذیرای اقوام مختلف و ادیان ابراهیمی یعنی اسلام، مسیحیت و یهود بوده است. اما در

دوره ایوبیان و ممالیک به واسطه تغییراتی که نهادهای آموزشی در فضای معنوی شهر به وجود آوردند، رفته رفته محله‌های مسیحی‌نشین پیرامون شهر کوچک و کم‌شمار شدند، البته سیاست‌ها و حمایت‌های حاکمان ممالیک که در جهت توسعه دین اسلام برنامه‌ریزی شده بود نیز می‌توانست در محدود شدن شمار مسیحیان مؤثر باشد. برای نمونه می‌توان به «دیرالزور» اشاره کرد که نقش خاندان ابوالوفا در گسترش اسلام در منطقه با برپایی زاویه‌ای در محله مسیحی‌نشین و حضور شیخ و مریدان او در آنجا به مرور زمان سبب خالی شدن منطقه از مسیحیان و اهل ذمه شد (۱۳۳-۱۵۴: ۲۰۲، luz).

۱۰. حضور خاندان‌های علمی در بیت المقدس: از دیگر موارد قابل توجه در گسترش و تداوم نهادهای صوفیه، حضور خاندان‌های علمی صاحب نام و تاثیرگذار در نشر صوفیه در این شهر بوده است. بسیاری از زاویه‌ها و خانقاه‌ها نسل به نسل در دست خاندان‌هایی بود که تا دوره معاصر نیز شماری از آنها باقی مانده‌اند و این امر در کنار تداوم سرپرستی خاندانی زاویه‌ها و خانقاه‌ها به شکل‌گیری کتابخانه‌های پربار خانوادگی مانند کتابخانه خانقاه فخریه و زاویه نقشبندیه منجر شد (عسلی، ۱۹۸۱: ۳۷۲-۳۷۳). از میان نمونه‌های متعدد، می‌توان به خاندان‌های ابوالوفا، آل علمی، الدیریه اشاره کرد (علیمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۲۴۴-۲۴۲؛ عسلی، ۱۹۸۱: ۳۶۴).

به هر تقدیر مجموعه این علل موجبات تداوم و گسترش نهادها و مراکز صوفیه را در بیت المقدس فراهم آورد. هرچند انگیزه‌های خیرخواهانه و الزامات و تمایلات دینی موسسان این نهادهای عام‌المنفعه که بسیاری از آنها متکی بر مؤسسات وقفی بودند، هم می‌توانست در بقا و تداوم این نهادها مفید باشد، اما توجه اکثریت مردم به سمت صوفیان و ایجاد مقبولیت ایوبیان و ممالیک در میان عوام هم می‌توانست به مانایی خانقاه‌ها و مؤسسات مشابه چون رباط و زاویه در چنین شرایطی کمک کند. علاوه بر این حکام و سلاطین و امراء نیز برای کسب مقبولیت، ایجاد شهرت و محبوبیت خود، به صوفیان محتاج بودند و همین باعث نزدیکی ایشان به صوفیان بود. لذا ساخت خانقاه، زاویه و رباط بهترین وسیله برای تقرب فرمانروایان و صوفیان و پیروان آنان بود. در این میان گاه استفاده ابزاری از صوفیه نزد حاکمان برای برون رفت از آشفتگی‌های سیاسی بر تمایلات آنها به صوفیه دامن می‌زد. این گرایش‌ها پرتب و تاب باعث می‌شد تا آنان ضمن مشغول کردن مردم به انفعال و عزلت‌گزینی که مشرب صوفیان بود، از قیام آنها علیه حکومت جلوگیری کنند. از این رو، کارگزاران حکومتی برای رشد اندیشه صوفیانه، ترویج افکار منفعلانه و عزلت‌گزینی جامعه نخبگانی اعم از علما و دانشمندان از هر سیاست و برنامه‌های ترویجی در تاسیس و تجهیز خانقاه، رباط و زاویه بهره می‌جستند. آنها به این نکته آگاه بودند که نهادهای صوفیه نیاز اجتماعی مردمی را رفع می‌کند و برالام آنان تسکین بویژه کسانی که در معرض تهاجمات و فقر قرار گرفته‌اند تسکین می‌بخش لذا حکمرانان با عملی آگاهانه در سطحی وسیع تلاش کردند تا با پیگیری این سیاست به نیاز اهل تصوف و مردم جامعه پاسخ دهند. به همین خاطر در تمام دوران حکومت ممالیک بازار دیانت گرم و صوفیان روانه خانقاه، زاویه و رباط‌ها بودند.

نتایج پژوهش

بررسی ها نشان داد که شکل گیری و قدرت گیری دولت مملوکی در قرن هفتم هجری در سرزمین های مصر و شام و بقای قدرت سیاسی آنان در طول سه قرن (۶۴۸-۹۲۳ ق) آنها در خلاء خلافت مرکزی بغداد، مساله ای پیچیده و چند بعدی بوده است. مطالعات مقدماتی در شناخت ابعاد و جنبه های متنوع دولت مملوکی که می توانست بر گسترش نهادهای صوفیه تاثیر بگذارد، نشان داد بعد مذهبی و راهکارهای دینی آنان در تقویت بنیادهای سیاسی بویژه مشروعیت دولت شان در شکل گیری و گسترش نهادهای وابسته مانند صوفیه بسیار تعیین کننده بوده است. در میان عوامل مشروعیت ساز مذهبی، صوفیه و جریان تصوف در شامات و مصر سهم بسزایی در تحولات فرهنگی و نهادینه سازی قدرت ممالیک در این منطقه برخوردار بوده است. بررسی های نشان داد ممالیک به عنوان وارثان دولت ایوبی کماکان سیاست دولت سلف خویش را در حمایت جریان تصوف پیش گرفتند و با حمایت از صوفیه تلاش کردند، همه اعتبار ایوبیان را در حاکمیت بر بیت المقدس به خود منتقل کنند. تحقیقات نشان داد در این برهه خانقاه ها، رباط ها و زوایه های متعددی با حمایت و پشتیبانی سلاطین، امرا و علما و کارگزاران سیاسی و متولیان فرهنگی در بیت المقدس ساخته شدند اغلب این نهادها در جهت حمایت از تصوف و صوفیان بودند. مطالعات تاریخی حاکی از آن است که عوامل مختلفی در گسترش و نیز تداوم نهادهای صوفیه در بیت المقدس عصر مملوکی دخیل بوده است از جمله: حمایت سلاطین مملوکی از نهادهای صوفیه در جهت کسب منافع سیاسی، استفاده ابزاری از صوفیان به منظور جلب حمایت عامه از قیل محبوبیت صوفیه در میان مردم (با ساختن خانقاه ها، رباط ها و زوایه برای سران مقبول صوفیه)؛ صرف نظر از فضای معنوی قدس شریف، دور بودن آنجا از سرزمین های مورد حمله مغولان، هم موجب روی آوردن متصوفان به این سرزمین بوده است و به افزایش تعداد صوفیان منجر گردید؛ واکنش مردم در برابر بلایای طبیعی و انسانی نظیر بیماری ها، ظلم و ستم، فقر و جنگ هم چون حملات صلیبی ها موجب رویکرد عمومی به سوی تصوف و عزلت گزینی و انزوا شد، زیرا تنها راه رهایی از این مصیبت ها را پناه بردن به زهد و یا تمسک جستن به خداوند می دانستند؛ و در نهایت انگیزه های خیر خواهانه و دینی نظیر عرضه خدمات اجتماعی به مسافران و نیازمندان از عواملی بودند که موجب افزایش تعداد صوفیان در بیت المقدس و سپس توجه سلاطین و امرا و بزرگان به این گروه و حمایت در گسترش نهادهای صوفیانه و تداوم آنها در این برهه گردید. از سوی دیگر حاکمان در شرایط آشفته سیاسی، به دنبال راهی برای گسترش تصوف بودند تا ضمن مشغول کردن مردم به تصوف به واسطه ویژگی های صوفیانه مبنی بر دنیاگریزی، عزلت گزینی، گوشه نشینی و زهد، از قیام آنها علیه حکومت ممانعت کنند. از این رو، کارگزاران حکومتی برای رشد اندیشه صوفیانه، سیاست ها و برنامه هایی پیش گرفتند که خانقاه، رباط و زوایه سازی مهم ترین آن بود. بنیاد بیش از ۵۱ نهاد صوفیانه (۹ خانقاه، ۱۰ رباط و ۳۲ زوایه) در بیت المقدس اثباتی بر این ادعاست.

كتابنامه

١. ابشرلى، محمد (١٩٨٢). اوقاف و املاك مسلمين فى فلسطين فى الويه غزه، القدس شريف، صفد، نابلس، عجلون، حسب الدفتر رقم ٥٢٢ من دفاتر التحرير العثمانيه المدونه فى قرن العاشر هجرى، استانبول، مركز ابحاث للتاريخ و الفنون و الثقافه الاسلاميه.
٢. ابن اياس حنفى، محمد بن احمد (١٩٧٢). بدايع الزهور فى وقايع الدهور، تحقيق محمد مصطفى، قاهره، داراحياء كتب العربيه، ج ٢.
٣. ابن بطوطه، (١٣٧٦). سفرنامه ابن بطوطه، چاپ ششم، ترجمه دكتور محمدعلى موحد، بى جا، سپهر نقش، ج ١.
٤. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، (١٤١٧ هـ)، رحلة ابن بطوطه، تحفة النظار في غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، رياض اكاديميه المملكه المغربيه، ، چاپ: اول، ٥ جلد
٥. ابن تميم مقدسى، شهاب الدين ابى محمود (١٩٩٤). مثير الغرام الى زيارت القدس و الشام، تحقيق احمد خطيمى، بيروت، دار الجليل.
٦. ابن جوزى، جمال الدين ابى فرج عبدالرحمن (١٤٠٣). تلبیس ابلیس، بيروت، دارالقلم.
٧. ابن عربى، محى الدين (١٩٨٩). روح القدس، قاهره، دار عالم الفكر.
٨. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٩٧٨). البدايه و النهايه، بيروت - لبنان، دارالفكر.
٩. ابن نباته، محمد بن محمد بن محمد بن الحسن الجذامى الفارقى مصرى (١٩٩٥). رحله حظيره الانس الى حضره القدس، تحقيق: حمد احمد عبدالله يوسف، القدس، فلسطين، دائره الاوقاف و الشوون و المقدسات الاسلاميه.
١٠. ابولاوى، سائد رفيق سعيد (٢٠١٩). التصوف فى القدس فى العصر المملوكى، ماجستير فى تاريخ اسلامى، اشراف دكتور محمد عثمان خطيب، نابلس - فلسطين.
١١. امام، رشاد (١٩٧٦). مدينه القدس فى العصر الوسيط (١٢٥٣-١٥١٦ م)، تونس، الدار التونسيه للنشر.
١٢. حافظ النقر، محمد (٢٠٠٦). تاريخ بيت المقدس فى العصر مملوكى، عمان، دارالبدايه.
١٣. الحجى، حياه ناصر (١٤١٢). صور من الحضاره العربيه الاسلاميه فى سلطنه المماليك، الكويت، دارالقلم.
١٤. دهباشى، مهدي و ميرباقرى، على اصغر (١٣٩٤) تاريخ تصوف، تهران، سمت.
١٥. الذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، (١٩٩٣) تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق عمر عبد السلام تدمرى، بيروت، دار الكتاب العربى، ط الثانية.

۱۶. سبکی، عبدالوهاب (۱۳۸۴). طبقات الشافعية الكبرى، به كوشش عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحی، قاهره.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمان (۱۹۶۷). حسن المحاضره، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء الكتب العربی، عیسی البابى و شركا، ج ۲.
۱۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۶) قلندریه در تاریخ، نشر سخن، تهران.
۱۹. شیخ، بتول، و دیگران (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «نهادهای صوفیه در بیت المقدس و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آنها» پژوهش نامه ادیان، شماره ۳۰، ص ۱۱۸-۱۰۲.
۲۰. صالحیه، محمد (۲۰۰۲). سجل اراضی لواء القدس، حسب الدفتری ۳۴۲ تاریخه (۹۷۰ هجری) المحفوظ فی ارشیف رئاسه الوزراء باستانبول، عمان، اردن.
۲۱. العارف، عارف (۲۰۰۵). المفصل فی تاریخ القدس، بیروت، الموسسه العربیه للدراسات و النشر المركز الرئیسى.
۲۲. العسلى، کامل جمیل (۱۹۸۱). معاهد العلم فی بیت المقدس، عمان، الطابعون جمعیه عمال المطابع التعاونیه.
۲۳. العسلى، کامل جمیل (۱۹۸۵). وثائق المقدسیه تاریخیه، اردن، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، ج ۱.
۲۴. العلیمی، مجیرالدین حنبلی (۱۹۹۹). الانس الجلیل بتاریخ القدس والخلیل، الطبعة الاولى، عمان، مکتبه دندیس، ج ۲.
۲۵. غزالی، محمد (۱۹۷۴). المنقذ من الضلال، به كوشش عبدالحلیم محمود، قاهره.
۲۶. غوانمه، یوسف درویش (۱۹۸۲). تاریخ نیابه بیت المقدس فی العصر المملوکی، عمان، دارالحیاه للنشر و التوزیع.
۲۷. فروهر، نصرالله (۱۳۸۷). کارنامه تصوف، تهران، شرکت نشر نقد افکار.
۲۸. کرد علی، محمد، (۱۴۰۳) خطط الشام، بیروت، مکتبه النوری، ج ۶، چاپ: سوم.
۲۹. معصوم علی شاه، محمد معصوم (۱۳۴۵). طرائق الحقائق، به كوشش محمدجعفر محجوب، تهران، بارانی.
۳۰. المقریزی، احمد بن علی (۱۹۸۷). المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، الطبعة الاولى، بیروت، دار الکتبه العلمیه، ج ۴.
۳۱. المقریزی، احمد بن علی (۱۹۹۷). السلوك لمعرفة دول الملوك، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

٣٢. المقریزی، احمد بن علی (٢٠٠٧). *اغاثة الامة بكشف النعمه*، تحقيق كرم حلی فرحات، قاهره، عين الدراسات و البحوث الانسانيه و الاجتماعيه.

٣٣. مكناسی، محمد بن عبد الوهاب، ٢٠٠٣ م، *رحلة المكناسی*، محقق / مصحح: محمد بوكبوط، بيروت- ابوظبي، ناشر: المؤسسة العربية للدراسات و النشر- دار السويدی.

٣٤. ناصر خسرو (١٣٥٦). *سفرنامه*، به كوشش محمد دبیرسیاقی، تهران.

٣٥. اليعقوب، محمد (١٩٩٩). *ناحيه القدس الشريف فى القرن العاشر الهجرى*، عمان، اردن، ٢ جلد.

٣٦.

٣٧. Ephrat, D. and P. G. (٢٠٢٠) Pinto, “Sūfī Places and Dwellings”, Sufi Institutions, ed. Alexandre Papas, Leiden and Boston, Brill.

٣٨. Luz, Nimrod, (٢٠٠٢) “Aspects of Islamization of space and society in Mamluk Jerusalem and its hinterland”, Mamluk Studies Review, v. ٦,